

امیر امیرقلی را آزاد کنید



امیر امیرقلی

دانشگاه: دانشگاه آزاد قزوین

رشته تحصیلی: مدیریت صنعتی

تاریخ بازداشت: ۱۱ آذر ۱۳۹۳

اتهام: اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور، فعالیت تبلیغی علیه نظام، توهین به

مقدسات و توهین به خامنه ای

محکومیت: ۲۱ سال

زندان: اوین

گردآوری و تنظیم: اسفند ۱۳۹۴

بازداشت و زندان:

امیر امیرقلی دانشجوی رشته مدیریت صنعتی در دانشگاه آزاد قزوین؛ پیشتر به دلیل فعالیتهای سیاسی و دانشجویی در شهریور سال ۸۷ بازداشت و متعاقب آن از دانشگاه نیز اخراج شد. نیمه شب ۱۰ آذر ماه سال ۱۳۹۳ ماموران امنیتی به منزل امیر امیرقلی، هجوم برده و منزل او را مورد بازرسی قرار داده و برخی وسایل شخصی وی را ضبط کرده و با خود بردند. این فعال مدنی با حکم بازپرس شعبه ۶ دادگاه شهید مقدسی بازداشت شد. امیر امیرقلی که در تجمعی در حمایت از مردم شهر کوبانی بازداشت شد از ۱۰ آذر ماه سال ۹۳ زندانی است. پس از بازداشت وی حدود دو ماه در انفرادی های بند ۲۰۹ اوین و تحت بازجویی و شکنجه بود. عمده بازجوییهای وی در رابطه با شرکت در تجمعات تهران در حمایت از کوبانی بوده است. او پس از پایان بازجویی ها؛ به بند هشت زندان اوین منتقل شد.

امیر امیرقلی روز دوشنبه ۲۰ بهمن در شعبه ۶ بازپرسی دادسرای شهید مقدس (واقع در زندان اوین) توسط بازپرس ناصری تفهیم اتهام شد. وی در روزهای پایانی بهمن ماه ۱۳۹۴ در دادگاهی توسط قاضی صلواتی به ۲۱ سال زندان محکوم شد. بند هشت زندان اوین در حال حاضر یکی از بدترین بندهای زندان اوین است که تعداد زیادی از زندانیان سیاسی و عقیدتی بر خلاف اصل تفکیک جرائم و در ازدحام و بدون کمترین امکانات در آن نگهداری می شوند.

دلوخته ای از امیر امیرقلی زندانی سیاسی خطاب به مردم ایران

گرمترین دروذهای صمیمانه مرا از بند ۸ اوین پذیرا باشید.

رفقا، کارگران و زحمتکشان این نامه را در حالی می‌نویسم که به جرم آزادی‌خواهی در زندان جمهوری جهل و جور اسیرم؛ اینک در شرایطی این نامه را می‌نویسم که گردن کشان به جرم ستم وهم و تباهی را می‌پروراندند و انسان‌ها را به جرم انسانیت به بند ترازوی عدالت خویش به دارمی آویزند. امروز سه شنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۴ در بی‌دادگاه ارتجاع توسط جانی «صلواتی» به «۲۱ سال» حبس محکوم شدم.

رفقا، کارکرد بشر خاموشی در برابر ظلم نیست که سمت برابری سمت ظلم و جور را نفی می‌کند و زندگی و مبارزه انسان‌ها هر دم این راز را می‌گشاید مگر جز این است که ظالمان و دیکتاتورهای سرمایه دار چنان چهره برابری را مخدوش کردند که برخی وجدان‌ها به‌سختی و دیرتر بیدار می‌شود، برخی سریع‌تر برانگیخته می‌شوند و برخی هرگز بیدار نمی‌شوند با این حال برخی پیش از وقوع فاجعه به افشاگری پرداخته و فریاد بر می‌آورند.

بی‌تردید که ما «کمونیست‌ها» همیشه به ستم مجالی نمی‌دهیم شاید هم به همین دلیل است که بزرگی گفت: «کمونیست‌ها مردمی هستند با سرگذشتی ویژه» عزیزان؛ مردم هرگاه قساوتی را از حاکمان می‌بینند و بازگشت میان شکست و تسنیم طلبی سخت است، به‌عقب بر می‌گردند. و چهره پیروزی به دیکتاتور می‌دهند و این‌گونه است که ظالمان برانسان‌ها می‌تازند. مدارا کردن و یا خواستار اصلاح حاکمان ظالم همیشه به پایداری ظلم کمک می‌کند. مقاومت و عظم استواری و سازش‌ناپذیری «۳۸ ساله» آزاد مردمان و انقلابیون واقعیتی قابل‌انکار است که امید را زنده نگه‌داشته است.

همگان آگاه‌اند که نسل جدید انقلابیون و وراث این راه با فجایع چون «اعدام‌های موسمی» و «کشتار درمانی‌ها» و یا «قتل‌های زنجیره‌ای» و یا «سرکوب‌های عریان خیابانی» ظالمان و سردمداران دوره‌ای حکومت روبرو هستند. هرچند ضعیف لیک با دشمنی نیرومند سرکار دارند ولی از آن هراسی ندارند.

من نیز چون دیگر وارثان خاک و حقیقت بی‌هیچ چشم‌داشتی تا به پای جان می‌ایستم و برای آزادی و برابری مبارزه می‌کنم و چون یاران، من نیز هرگز مقبول دیکتاتور نمی‌شوم و می‌دانم که آزادگی پدیده‌ای است که روی مردم تأثیر دارد همان‌گونه که به نگارش برگ‌های تاریخ در می‌آید.

ای مردم آگاه آیا دریدن ماسک‌های بی‌شرمان و رسوایی متقلبان به جز حاصل مبارزه «۳۸ ساله» انقلابیونی است، مبارزانی که قهر ضدانقلابی رژیم را گونه‌ای پاسخ دادند که رژیم را به میدانی می‌برد که همواره از در آمدن به آن هراس داشته باشد میدان پیکار با کارگران زحمتکش با دیکتاتوری «علی خامنه‌ای» که با رسوایی در برابر دیدگان مردم جام زهر هسته‌ای را سر می‌کشد و به خود می‌پیچد.

باری انقلابیون دوره‌ی حسابی را می‌گذارند، دوره‌ی خصم و استوار و اراده‌ی فولادین که ماندن بر سر پیمانمان به جز آگاهی و ایمانمان علتی ندارد. کارگران، زحمت کشان از احزاب عامیون انجمن‌های غیبی تهران در عصر مشروطه در فرقه «سوسیالیست‌ها» تا جمهوری شورایی گیلان و از گروهی «۵۳

نفره” تا به رستاخیز سیاه کل «چریک‌های فدایی» جان‌باختگان ده‌های “۶۰ و ۶۷” آزاد مردمان و نیز «کمونیست‌ها» مقام مصاف را گزیدند و شرف ترانه ندادند تا جل پاره‌ی حقارت بخرند من «امیر امیر قلی» فرزند خلق قهرمان ایران قطره‌ای از اقیانوس بی‌کران آزاد مردمان و کارگران و زحمت‌کشان این دیار تا به آخر هستم و به میراث پدران و بزرگانم وفادار خواهم ماند.

پس امروز رساتر از همیشه فریاد می‌کشم، خطاب به دجالان و دیکتاتورها، حسرت یک آه را به دلتان خواهم گذاشت تا لحظه‌ی مرگ خم به ابرویم نخواهم آورد.

زنده باد آزادی زنده باد برابری زنده باد سوسیالیست

امیر امیر قلی اوین بند ۸ - سه شنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۴

پیام زندانیان سیاسی علی معزی و امیر امیرقلی از زندان اوین: بساط خیمه‌شب بازی انتخابات رژیم آخوندی را تحریم کنید!

۳۷ سال از انقلاب ضدسلطنتی ۵۷ می‌گذرد. مقصود مردم مجلس مؤسسانی مرکب از همه اقشار و طبقات و مذاهب و نظامی دموکراتیک که مظهر اراده و آرای مردم باشد بود. اما از همان روز اول ارتجاع و فاشیسم مذهبی به‌عنوان تهدید و مانع عمده‌ای در مقابل تحقق خواسته‌های آزادیخواهانه، حقوق‌بشری و دموکراتیک و عادلانه ملت قرار گرفت به‌طوری‌که حبس و سرکوب و اعدام‌های دهه ۶۰ و قتل‌عام‌های سال ۶۷ خیل عظیم کسانی را که مطالبات اقشار بسیاری را نمایندگی می‌کردند از دم تیغ گذرانید.

به این ترتیب بود که استبداد نعلین جای استبداد چکمه را گرفت و بیش از پیش غارت و چپاول افسار گسیخته طبقات محروم جامعه توسط گروه جدیدی از نو برقرار شد. اکنون هم این جناحها و جماعتی که بر سرکار هستند همه سر و ته یک کرباس اند و هر کدام یک نوبت یا بیشتر در حاکمیت بوده و یا در بخشهای مختلف ساختار حکومتی جا عوض می‌کردند.

این سیستم هیچ حق انتخابی برای مردم نمی‌شناسد. آخر برای مردم چه فرقی می‌کند که چه کسی آنها را غارت و سرکوب نماید. امروزه صحنه‌سازی انتخابات فقط ابزاری شده برای حفظ منابع و منافع اقتصادی در دست همین طبقه خاص و برخوردار و بقیه مردم باید با فقر و گرانی دست و پنجه نرم کنند.

عده‌ای اعوان و انصار و چوبه‌های زیر بغل این نظام هم مودیان‌ه تلاش می‌کنند که مردم را با توجیهات واهی پای صندوقها کشانده و اعتبار به جیب حکومت بریزند در حالی‌که مردم ما گول نخورده و می‌دانند که بد و بدتری وجود ندارد و این توجیهات توهین به شعور و به شرف آنهاست. پس به دست خود به جیب غارتگران و سرکوبگران اعتبار نریزیم و بساط این خیمه‌شب بازی را تحریم کرده و روز جمعه از خانه خارج نشویم.